

بررسی میزان آنومی اجتماعی در بین حاشیه نشینان شهر اردبیل و عوامل اجتماعی مرتبط با آن

محمود علمی^۱

زیباقاسم زاده ابلی^۲

تاریخ پذیرش: 93/01/20

تاریخ تصویب: 93/03/29

چکیده

تحقیق حاضر با هدف تعیین عوامل مرتبط با آنومی اجتماعی حاشیه نشینان اردبیل انجام شد. متغیرهای کنترل اجتماعی- فقر فرهنگی- فرهنگ فقر متغیرهای مستقل می باشند. متغیری که به عنوان مسأله اصلی تحقیق در نظر گرفته شده بود نیز آنومی اجتماعی حاشیه نشینان است. جامعه آماری شامل ۱۰۶۹۸ خانوار از حاشیه نشینان اردبیل است که طبق فرمول کوکران ۳۷۱ خانوار از آنها به روش تصادفی سیستماتیکی انتخاب شده اند.

روش تحقیق حاضر پیمایش از نوع همبستگی است و گردآوری داده ها به وسیله پرسشنامه محقق ساخته انجام شده است. در این بررسی از اعتبار محتوایی (صوری) جهت تعیین اعتبار پرسشنامه و ضریب آلفای کرون باخ برای تعیین پایایی سؤال ها استفاده شد که عمده ترین نتایج به دست آمده به شرح زیر می باشد.

میزان آنومی حاشیه نشینان به فقر فرهنگی، فرهنگ فقر و کنترل اجتماعی مرتبط است ولی ارتباطی بین جنسیت حاشیه نشینان با میزان آنومی آنها مشاهده نشد. همچنین طبق رگرسیون چندگانه به روش گام به گام نیز به ترتیب فرهنگ فقر و کنترل اجتماعی به میزان ۱۱ درصد میزان آنومی حاشیه نشینان را تبیین نمودند.

واژگان کلیدی: آنومی اجتماعی- کنترل اجتماعی- فقر فرهنگی- فرهنگ فقر.

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز -ایران

۲- کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز ziba_ghasemzadeh@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

جامعه‌شناسان ریشه بسیاری از کج روی‌های اجتماعی را در محیط و شرایط اجتماعی جستجو می‌کنند و علل زیرساز بسیاری از آنها را خود جامعه می‌دانند. وقتی خواست‌های فرد با انتظارات جامعه هماهنگ و هم‌نوا نباشد، نابهنجاری فرد آغاز می‌شود و در صورت تداوم، زمینه‌های کج روی‌ها را پدید می‌آورد. مثلاً در ایران، منشاء زندگی اجتماعی، تشدید مهاجرت‌ها و به هم خوردن نسبت تراکم جمعیت بین شهرها و روستاها، آشفته‌گی و به هم ریختگی ساختار جمعیت کشور، گرانی، بیکاری و ... همه دست به دست هم داده و موجبات انحراف برخی از انسان‌ها را از هنجارهای اجتماعی فراهم آورده است.

حاشیه‌نشینی یکی از پیامدهای مهاجرت روستاییان به شهر می‌باشد. حاشیه‌نشینان که دارای فرهنگی متمایز از شهرنشینان هستند، با عواملی دست‌بگریبان هستند که با رعایت نکردن نظم، هنجارهای رایج در این منطقه را عمومیت داده‌اند. از این رو حاشیه‌نشینی یکی از بسترهای مناسب برای آسیب‌های اجتماعی می‌باشد.

حاشیه‌نشینی در ایران صرفاً موضوعی فیزیکی و کالبدی نبوده، بلکه مسئله‌ای ساختاری است که در اثر نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح ملی و منطقه‌ای به وجود آمده است، حاشیه‌نشینان نسبت به سایر شهروندان بیشتر در معرض انجام اعمال انحرافی و آنومیک می‌باشند. بنابراین در این پژوهش در پی یافتن عوامل مؤثر بر میزان آنومی در بین حاشیه‌نشینان شهر اردبیل می‌باشد.

انحراف، کژ رفتاری، آنومی سابقه‌دیرینه‌ای در زندگی بشری دارد و تاریخی به قدمت تاریخ بشری دارد و واقعیتی است غیر قابل احتراز که هیچ جامعه‌ای از آن در امان نمی‌باشد. آدمی از گذشته دور مادام در فکر مقابله با جرایم و انحرافات بوده و در این زمینه دستاوردهایی نیز داشته است و هر بی‌هنجاری آثار و تبعات زیانباری را برای فرد و جامعه دربرداشته و لطمات زیادی را هم بر اعضای جامعه وارد می‌کند (پروین، ۱۳۸۶: ۱۳۹). به نظر دورکیم جامعه آنومیک یا بی‌سازمانی جامعه‌ای است که مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌های متضاد با یکدیگر در خود داشته و فاقد خطوط راهنمای روشن و پایدار ی برای مردم به منظور یادگیری و درونی کردن هنجارهاست (احمدی، ۱۳۸۴: ۴۳).

حاشیه‌نشینی پدیده‌ای است که به دنبال تحولات و دگرگونی‌های ناهمگون و بروز مسائل و مشکلات اقتصادی - اجتماعی مانند جریان سریع شهرنشینی و مهاجرت‌های روستایی انجام گسیخته در بیشتر کشورهای در حال توسعه پدیدار گردیده است.

بررسی میزان آنومی اجتماعی در بین حاشیه نشینان شهر اردبیل و عوامل اجتماعی مرتبط با آن

جامعه ایران با دارا بودن ویژگی های خاص زیست محیطی، جمعیتی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی از روابط اجتماعی ویژه ای برخوردار است (شیری، ۱۳۸۳: ۴). بنابراین با این خطر بالقوه روبرو هستیم که فاصله انتظارات و خواست های عمومی ساکنان از یک سو و نبود تجهیزات لازم فنی، مالی، اجتماعی و برنامه ریزی پیوسته از سوی دیگر، شکاف موجود میان هدف ها و ابزار ها را تشدید می کند و زمینه های بی نظمی، انحراف اجتماعی و قانون گریزی را در شهرها و مناطق حاشیه نشین گسترش می دهد (فولادیان، ۱۳۸۵: ۳). رابطه تضادها و تمایزات فرهنگی میان فرهنگ مهاجران مناطق حاشیه نشین و فرهنگ حاکم بر کلان شهرها از عوامل مهمی است که با آنومی و بزهکاری جوانان در این مناطق قابل بررسی است (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۹۰).

با مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر بی هنجاری جوانان حاشیه نشین که از پیامدهای بی سازمانی اجتماعی و کارکرد های نامناسب سازمان ها و گروه های اجتماعی بر رفتار افراد است، بررسی و ارزیابی عناصر فعال در درون بستر های سازمانی و فرهنگی ضروری است (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۸۸). در نتیجه، در این پژوهش سعی بر آن است که عمده ترین عوامل مرتبط در گرایش حاشیه نشینان به اعمال انحرافی و آنومیک آشکار شود، لذا سؤال اصلی تحقیق این است که عمده ترین عوامل مرتبط با میزان آنومی حاشیه نشینان کدامند؟

بررسی آنومی و تغییر میزان آن در طول زمان دیرباز مورد علاقه جامعه شناسان بوده است. انحرافات و کجروی از جمله مسائلی است که در تمام سطوح فرد و شخصیت فرد و میانه خانواده، مدرسه و در کل (عرصه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، ...) دارای پیامدهای انکار ناپذیری هستند (میری، ۱۳۸۷: ۱۳۰).

ازسویی، با توجه وضعیت کنونی جامعه شهری ایران پدیده حاشیه نشینی یا اسکان غیررسمی، یکی از مهمترین معضلات اجتماعی و شهری است. در تبیین کلی، این پدیده اجتماعی، اقتصادی و شهری ناشی از علل ساختاری مانند نابرابری در فرصت ها و در توزیع منابع، ثروت و درآمد جامعه می باشد که در فرآیند رشد و توسعه به شکل های عدم تعادل منطقه ای شهری و روستایی ظهور کرده است. معمولاً خرده فرهنگ های ساکنان مناطق حاشیه نشین که پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین دارند با فرهنگ عمومی مادرشهرها در تضاد قرار می گیرند. بنابراین با توجه به نقش عوامل فرهنگی-اجتماعی افراد در گرایش به رفتارهای نابهنجار، این پژوهش در پی شناخت عوامل مرتبط با گرایش حاشیه نشینان به رفتارهای نابهنجار و نقش آنها در آنومی فرد در جامعه می باشد.

مبانی نظری

نظریه فرهنگ فقر از اسکار لوئیز

اسکار لوئیز (۱۹۵۳) با طرح نظریه «فرهنگ فقر»، بر این نکته تأکید دارد که هنگامی که به فرهنگ فقر در سطح اجتماعات محلی و کوچک توجه می شود، آنچه در نظر مجسم می شود، خانه های خراب، ازدحام جمعیت، درهم جوشی مردم و بالاتر از همه نبودن تشکیلات و سازمان هایی است که دامنه گسترش و نفوذشان به ورای محدوده خانواده می رسد. به نظر اسکار لوئیز فرزندان خانواده هایی که برای مدت طولانی در فرهنگ فقر به سر می برند این ویژگی ها و رفتارها را دارند:

۱. کوتاه بودن دوران کودکی، یعنی کودکان خیلی زود وظایف بزرگترها را بر عهده می گیرند،
۲. محروم بودن کودکان از حمایت های لازم در خانواده،
۳. شروع روابط جنسی در دوران کودکی،
۴. روابط بی بند و بار جنسی،
۵. ترک خانواده در سنین پایین.

نظریه ی تقویت افتراقی

رابرت برگس و راندل ایگز براساس نظریه ی تقویت در روانشناسی که می گوید ادامه یا توقف هر نوع رفتاری بستگی به تشویق یا مجازات دارد، یعنی تشویق موجب ادامه رفتاری خاص و مجازات باعث توقف آن خواهد شد. نظریه ی ساترلند را مورد سؤال قرار داده اند. به بیان دیگر، این دو مدعی اند که صرف پیوند با کج رفتار آن کسی را کج رفتار نمی کند بلکه همین افراد کج رفتار را در صورتی که نسبت به همنوایی - با مقدار فراوانی و احتمال بیشتر - رضایت بخش تر باشد، به همنوایی ترجیح خواهند داد. برگس و ایگز بر اساس قانون نیروی تقویت افتراقی می گویند که اگر تعداد عواملی نیروهای تولید کننده تولید کنند، آن عاملی بیشترین احتمال وقوع را دارد که بیشترین تقویت کننده را به لحاظ مقدار، فراوانی و احتمال تولید کند (برگس و ایگز، ۱۹۶۶). بنابراین از نظر اینها دخالت متغیر سوم یعنی تقویت افتراقی، در فضای پیوند افتراقی، علت اصلی کج رفتاری است.

بررسی میزان آنومی اجتماعی در بین حاشیه نشینان شهر اردبیل و عوامل اجتماعی مرتبط با آن

نظریه ی تقلید

گابریل تارد، از اندیشمندان نظریه تقلید، نظریه های زیست شناختی را که رفتار انحرافی را به ویژگی های جسمانی افراد نسبت می دهند مردود دانسته و بر این باور است که مردم مجرم به دنیا نمی آیند، بلکه مجرم می شوند. تارد بر این باور است که فرآیند کسب رفتار بزهکارانه و مجرمانه از طریق تقلید که مبتنی بر تجربه های یادگیری مشاهده ای است انجام می شود. نظریه فرآیند اجتماعی رفتار جنایی تارد در این عقیده اش منعکس شده است که همه ی کنش های مهم زندگی اجتماعی تحت سلطه «مثال هایی» که در معرض فرد قرار دارد انجام می شود، براساس این عقیده، او نظریه ی تقلید خود را تدوین کرد. تارد براساس نظریه ی تقلید، فرآیند کسب رفتار مجرمانه را به همان گونه ی رفتار غیرمجرمانه تبیین کرد. در توسعه ی نظریه اش، بین مد و رسم تمایز قائل شد، اگر چه هر دو آنها از اشکال تقلید هستند. مد دارای ویژگی تقلیدی است که در «انبوه های خلق» یا شهرها، جایی که تماسها نزدیک و فراوان می باشند، رخ می دهد. رسم به پدیده ای که در شهرک های کوچک و حوزه های روستایی، جایی که تغییرات اجتماعی کمی رخ می دهد، پدید می آید ارجاع داده می شود. از آنجا که مد و رسم هر دو از اشکال تقلید می باشند و هر دو به درجاتی در درون جامعه به وقوع می پیوندند، مد ممکن است یک رسم را ریشه کن و رسم جدیدی را خلق نماید. با طرح این موضوع که مد و رسم به میزان های متفاوتی به تماس اجتماعی مرتبط هستند، تارد اولین قانون تقلید خود را تدوین کرد. «انسان ها به میزان تماس نزدیکی که با هم دارند به تناسب از یکدیگر تقلید می کنند». دومین قانون تقلید تارد این است که فرودست ها از فرادست ها تقلید می کنند؛ سومین قانون تقلید تارد، «قانون جوف گذاری» است. وقتی که دو مد با ویژگی های منحصر به فرد در تقابل یا یکدیگر با هم ظاهر می شوند، یکی می تواند جانشینی برای دیگری شود. (رید، ۲۰۰۰: ۱۵۷).

نظریه دواير متحدالمرکز برگس

بعد از پارک شاگردانش در مکتب شیکاگو با مطالعات تجربی تلاش کردند تا نظریه هایی در مورد چگونگی شکل گیری شهرهای صنعتی و بافت آنها ارائه دهند. معروف ترین آنها نظریه دواير متحدالمرکز برگس است. اصل اساسی که در مدل توسعه فضاهای درون شهری برگس نهفته است از این فرضیه مایه می گیرد که رقابت و همسازی تعیین کننده اندازه و سازمان اکولوژیک اجتماع انسانی است. به عبارت دیگر صور زندگی اجتماعی با فضا و مکان اشغال شده رابطه ای تنگاتنگ داشته، توزیع مکانی

جمعیت از ارتباط دائمی رقابت و اجتماع در چارچوبی مکانی شکل می‌گیرد. در واقع از نظر این مکتب، هر آنچه که در شهر رخ می‌دهد، موضوع جامعه‌شناسی شهری به‌شمار می‌رود (ویر، ۱۳۷۰: ۳۸).

برگس معتقد است که شهرهای مدرن الگوی دواير متحدالمرکز را پیدا می‌کنند که هر یک از این دواير خصایص ویژه خود را دارا می‌باشند. دایره ۱ محل فعالیت های تجاری منطقه ۲ تحت عنوان منطقه در حال تغییر و تبدیل نامگذاری شده و منطقه ای است که هسته ی اصلی شهر را احاطه کرده منطقه ۳ محل سکونت کارگران و منطقه ۴ محل سکونت طبقه متوسط و منطقه ۵ محل سکونت طبقات مرفه جامعه می باشد که به شهر رفت و آمد دارند (ممتاز، ۱۳۷۹: ۸۵).

منطقه اول: منطقه تجاری مرکزی؛ منطقه دوم؛ نزدیک هسته مرکزی؛ منطقه سوم؛ سکونت‌گاه‌های کارگران منطقه چهارم؛ منطقه حومه‌ای (ممتاز، ۱۳۷۹: ۱۳۲).

تئوری فری

فری ضمن تأیید تأثیر عوامل اجتماعی در وقوع جرایم عوامل جسمی و محیط جغرافیایی را نیز دور نداشته و معتقد است که پدیده بزه، زندگی در اجتماع و واکنش آن است. مادامی که شرایط زندگی تغییر نکرده، تعداد جرائم همچنان ثابت می ماند و موقع بی نظمی، هرج و مرج جنگ و قحطی و غیره این نظم به هم می خورد. محیط اجتماعی نیز از میزان محدودی می تواند بزهکاری را تحمل نماید. ارتکاب جرائم در یک جامعه، رابطه مستقیم با وضع محیط اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی دارد و تمام اوضاع و احوال مذکور ما در کمیت وقوع جرائم موثرند، اگر محیط اجتماعی اصلاح شود میزان اشباع جنائی نیز به همان نسبت تقلیل می یابد.

فری معتقد است که جرم مانند تمام عوامل انسانی پدیده ای است بغرنج که ناشی از وضع جسمی و روانی و اجتماعی می باشد که به طور خلاصه علل بروز جرایم را به شرح زیر بیان می کند:

- ۱- عوامل جسمی، طرز رشد جسمی ساختمان، مجسمه، نقص بدنی معیوب، شکل ظاهری و اندام، نژاد، سن، جنسیت
- ۲- عوامل روانی، اختلالات و بیماری های روانی، میزان هوش
- ۳- عوامل اجتماعی، اوضاع و احوال محیط اجتماعی که بزهکار در آن زندگی می کند مانند چگونگی شرایط خانوادگی، شغل همسر، اعتقادات مذهبی، مسکن، وضع اقتصادی در وقوع جرایم موثرند.

بررسی میزان آنومی اجتماعی در بین حاشیه نشینان شهر اردبیل و عوامل اجتماعی مرتبط با آن

۴- مادامی که در محیط اجتماعی تحولات اصولی بر اساس اوضاع اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، حقوقی و اعتقادات مذهبی بر حسب پیش بینی های جامعه شناسی تحقق نیابد وقوع بزه اجتناب ناپذیر خواهد بود (دانش، ۱۳۷۶: ۲۳۴).

نظریه آنومی دورکیم

آنومی در نظر دورکیم اشاره به بی سازمانی، گسستگی و از هم گسیختگی اجتماعی، اختلال، و اغتشاش در نظام جمعی دارد وقتی اجماع بر سر پذیرش هنجارهای اجتماعی و اهداف و انتظارات جامعه نباشد، بی هنجاری یا آنومی شکل می گیرد. بنابراین براساس این تئوری هر گاه آنومی یا بی هنجاری اجتماعی افزایش یابد و هنجارها و قواعد رفتار در جامعه دچار ستیز و از هم گسیختگی شوند و یا اینکه فرد بر اثر فقدان هنجارها و الگوهای رفتار، دچار سرگستگی و پریشانی شود و بر اثر چنین حالاتی احساسات جمعی تضعیف شود و ضمانت اجرائی خود را از دست بدهد کجرفتاری های اجتماعی از قبیل سرقت، قتل، فحشاء، اعتیاد و غیره افزایش می یابد. (ممتاز، ۱۳۸۱: ۷۰).

به نظر دورکیم جامعه آنومیک یا بی سازمانی جامعه ای است که مجموعه ای از هنجارها و ارزش های متضاد با یکدیگر در خود داشته و فاقد خطوط راهنمای روشن و پایدار ی برای مردم به منظور یادگیری و درونی کردن هنجارهاست (احمدی، ۱۳۸۴: ۴۳). به نظر دورکیم هر جامعه ای بر اساس مجموعه ای از هنجارهای مشترک و هنجارهای مسلط سازماندهی شده است (ساچار، نقل از احمدی، ۱۳۸۴: ۴۷). به اعتقاد دورکیم ساخت خانواده در جوامع جدید به سمت خانواده سببی پیش می رود. یعنی خانواده های گسترده به خانواده های هسته ای تبدیل می شوند که این امر در افزایش انحرافات اجتماعی مؤثر است (منبع پیشین: ۴۸).

نظریه آنومی مرتن

مرتن تأکید می کند که این خود جامعه است که پس از درونی کردن اهداف مورد تأیید فرهنگی و شیوه های مقبول دسترسی به آن در افراد، نوعی نیاز فرهنگی را برای دستیابی به هر یک از آن در آنان ایجاد می کند. آن هم در حالی که ساختارهای اجتماعی موجود، ناگزیر راه دستیابی توأمان به هر دو را بر برخی افراد می بندد. به تعبیر ساده تر، این جامعه است که آرزوهایی را برمی انگیزاند، و در همان حال، شیوه های مقبول دستیابی بدان را دست کم برای برخی محدود می سازد. در این میان، این افراد هم از

لحظه ای که با این شکاف میان اهداف و وسایل مواجه می شوند، در وضعیت روانی خاصی قرار می دهد. (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۲۰۷).

مرتن معتقد است که اگر فرد درباره اهداف ارجدار جامعه ای شک و تردید داشته اعتماد خود را نسبت به اعتبار آنها از دست بدهد دچار حالت "آنومیک" یا "بی رویه گی" می شود.

هنگامی که فرد دچار حالت "آنومیک" می شود وابستگی و احساس تعلق خود را به گروه از دست می دهد. هنجارهای گروهی را بعنوان سرمشق نمی پذیرد و از آنها می گریزد و برای مدتی در بی هنجاری یا دقیق تر در کم هنجاری و کژهنجاری بسر می برد، زیرا هنجار مطلوبی نمی یابد تا جایگزین هنجارهای پیشین سازد. برای اطمینان البته تمام هنجارها را از دست نمی دهد ولی خودش را کنار می کشد و کمتر خود را با دیگران همنا و همسان می یابد (شیخوندی، ۱۳۷۹: ۷۳).

مرتن در سال (۱۹۷۰) در مقاله معروفش تحت عنوان "ساخت اجتماعی و آنومی" مفهوم "آنومی" دورکیم را تعدیل نمود. به عقیده او تضاد میان "اهداف فرهنگی" مانند پول، قدرت و مقام و "ابزارهای نهادی شده قانونی" برای به دست آوردن و رسیدن به آن اهداف منبع اولیه "آنومی" است (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۱).

نظریه بوم شناختی و جمعیتی

نظریه ی بوم شناختی در مکتب شیکاگو توسط جامعه شناسانی چون پارک و برگس مطرح گردید. آنها در تبیین انحرافات اجتماعی بر متغیرهایی که با پدیده ی شهرنشینی ارتباط داشت نظیر زبان، قومیت، مهاجرت، حوزه های سکونت و تراکم جمعیت تمرکز نمودند. جامعه شناسان مکتب شیکاگو از آغاز قرن بیستم برخی از رفتارهای انحرافی نظیر خودکشی، طلاق و فحشاء را در شهر شیکاگو با هدف درک تأثیر عوامل جمعیت شناختی مانند سن، بعد خانوار، تراکم و مهاجرت و عوامل بوم شناختی نظیر قومیت، نژاد و محل سکونت بر بی سازمانی اجتماعی تأکید نموده و جرم و بزهکاری را مورد مطالعه قرار دادند (احمدی، ۱۳۸۳: ۶۳). پارک معتقد است که نواحی شهری از پیشرفت و بهبود انگیزه های ساکنین جلوگیری نموده و باعث رواج انحرافات اجتماعی می گردد. سازمان فیزیکی شهر تأثیری عمیق بر الگوهای فرهنگی - اجتماعی زندگی شهری می گذارد (38: 1978, ساچر).

بررسی میزان آنومی اجتماعی در بین حاشیه نشینان شهر اردبیل و عوامل اجتماعی مرتبط با آن

نظریه ی بی هنجاری

این نظریه توسط دورکیم در باب نیاز به محافظت از پیوندهای اخلاقی بین اشخاص در جامعه می باشد. ایده اصلی دورکیم آن است که زندگی بدون وجود الزام های اخلاقی یا ضرورت های اجتماعی، تحمل ناپذیر می شود، و در نهایت به شکل گیری پدیده ی آنومی، یعنی نوعی احساس بی هنجاری می انجامد که اغلب مقدمه ای برای دست یازیدن افراد به خودکشی و کجروی است. در جوامع امروزی، خواه در سطح جامعه و خواه در سطح برخی گروه های تشکیل دهنده ی آن، معیارها و هنجارهای سنتی، وضعیتی در حال تضعیف دارد، بی آنکه هنجارهای جدیدی جایگزین آن گردد. (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۳۲۵).

نظریه کنترل اجتماعی هیرشی

نظریه کنترل اجتماعی هیرشی بحث می کند که فقدان تعهد اجتماعی عمده ترین عامل جرم و بزهکاری است او چهار منبع را برای تعهدات اجتماعی بیان می کند:

۱- تعلقات نسبت به خانواده و دوستان

۲- تعلقات نسبت به نهادهای آموزشی مانند مدرسه

۳- باوربه انواع ارزش ها و اصول

۴- تعهدات نسبت به اهداف در دسترس

برحسب نظریه کنترل هیرشی هراندازه این چهار مورد کمتر شوند تعهد افراد به جامعه کمتر شده وضعف تعهد منجر به رفتار انحرافی می شود (هاگان، ۱۹۹۴: ۳۷).

در تحقیقی که بر روی ۲۰۰ نفر از جوانان ۲۵-۲۰ ساله در دو منطقه ی ایران متمایز از نظر پارامترهای اجتماعی، اقتصادی و مقایسه ی آن دو با یکدیگر با هم پژوهشگر به این نتیجه رسید که در هر دو منطقه، رابطه ی مستقیمی بین روابطی که در کانون خانواده می گذرد و کجروی جوانان وجود دارد. در مقایسه با دو منطقه، منطقه ی حاشیه نشین به دلیل آنکه تعارض های درون کانون خانواده در آن بالا بود، گرایش های بیشتری به کجروی در بین جوانان آن وجود داشت (ستوده، ۱۳۸۰: ۴۱).

محسنی (۱۳۷۹) در تحقیقی با عنوان "بررسی آگاهی ها، نگرش ها و رفتارهای اجتماعی، فرهنگی در ایران" انجام داده است. و دریافت که به دلیل اینکه عوامل موثر بر پدیده "آنومی" اقتصاد و بحران

های آن عامل مهم بر بروز "بی هنجاری" تلقی می شود. بنابراین اشاره به آمار توصیفی تحقیق می تواند دریچه ای به ساخت اقتصادی در ایران باشد.

کرد زنگنه (۱۳۸۱) در تحقیقی تحت عنوان "بررسی رابطه برخی پیشایندهای اجتماعی با آنومی، یا بی هنجاری در بین دانش آموزان متوسطه در شهرستان رامهرمز" به نتایج زیر دست یافت: با افزایش سن پاسخگویان میزان آنومی در آنان افزایش می یابد. میزان آنومی در دختران بیشتر از پسران می باشد. رابطه معکوس بین پیوستگی با خانواده و آنومی وجود دارد. هرچه پایگاه اجتماعی فرد پائین تر باشد میزان آنومی و بی هنجاری وی بالاتر است. تفاوت ارزشی بین والدین و فرزندان بر آنومی تاثیر گذار بوده است. هرچه مشارکت نوجوانان در امور اجتماعی افزایش یافته، از میزان آنومی کاسته شده است. هرچه میزان نظرات خانواده افزایش یابد، از میزان آنومی کاسته می شود.

امجدیان (۱۳۸۴) تحقیقی با عنوان "بررسی پتانسیل آنومی و زمینه های بروز آن در شهر کرمانشاه" انجام داده اند. یافته های پژوهش نشان می دهد: که ۱- بیش تر میزان آنومی (عدم رعایت هنجارها) در شهر کرمانشاه؛ هنجارهای رسمی و پس از آن هنجارهای نیمه رسمی است و هنجارهای غیر رسمی دارای کم ترین میزان آنومی هستند. ۲- میزان تمایل به رفتار آنومیک در بین پاسخ گویان در حد متوسطی قرار دارد. ۳- اغلب متغیرهای مربوط به شرایط آنومی که بر مبنای چارچوب تئوریک مورد مطالعه قرار گرفتند، رابطه شان با یکدیگر و با رفتار آنومیک مورد تأیید قرار گرفت. ابتدا، نبودن کارکرد مناسب سیستم کنترل موجب کاهش اعتماد اجتماعی و افزایش تمایل به آنومی در جامعه می شود. احساس وجود نابرابری اقتصادی و اجتماعی موجب کاهش اعتماد اجتماعی و افزایش تمایل به رفتار آنومیک می شود.

کوثری (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان «پتانسیل آنومی اجتماعی در مناطق حاشیه ای شهر تهران»، که نمونه آماری از طریق روش نمونه گیری به صورت احتمالی از روش طبقه بندی با استفاده از فرمول کوکران استفاده شده و در مجموع ۹۹۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب گردیده و به نتایج زیر دست یافت:

- ۱- بین میزان ناسازگاری منزلتی و میزان ناخشنودی رابطه مستقیم وجود دارد.
- ۲- بین میزان محرومیت نسبی و میزان ناخشنودی رابطه مستقیم وجود دارد.
- ۳- بین ناخشنودی اجتماعی و میزان آنومی فردی رابطه مستقیم وجود دارد.
- ۴- بین میزان ناخشنودی اجتماعی و میزان بدبینی اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد.
- ۵- بین میزان دینداری و میزان بدبینی اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد.

بررسی میزان آنومی اجتماعی در بین حاشیه نشینان شهر اردبیل و عوامل اجتماعی مرتبط با آن

- ۶- بین میزان بی اعتمادی به دولت و میزان آنومی فردی رابطه مستقیم وجود دارد.
- ۷- بین بدبینی مردم به تحرک اجتماعی و میزان آنومی فردی رابطه مستقیم وجود دارد.

فرضیه های تحقیق

- بین فرهنگ فقر و میزان آنومی در بین حاشیه نشینان اردبیل رابطه وجود دارد.
- بین فقر فرهنگی و میزان آنومی در بین حاشیه نشینان اردبیل رابطه وجود دارد.
- بین کنترل اجتماعی و میزان آنومی در بین حاشیه نشینان اردبیل رابطه وجود دارد.
- میزان آنومی اجتماعی در بین حاشیه نشینان اردبیل بر اساس جنسیت آنها متفاوت است

سؤال تحقیق

سهم هر یک از مؤلفه های فرهنگ فقر، فقر فرهنگی، و کنترل اجتماعی در آنومی اجتماعی حاشیه نشینان اردبیل تاچه اندازه است؟

روش تحقیق:

تحقیق حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش یک بررسی پیمایشی از نوع توصیفی- همبستگی است. جامعه ی آماری پژوهش حاضر شامل خانوارحاشیه نشین اردبیل می باشد که در سال ۱۳۸۹ طبق آمار گزارش شده از سوی مسئولین استانداری استان مربوطه ۱۰۶۹۸ خانوار می باشد. جهت مشخص نمودن جامعه نمونه، با استفاده از فرمول کوکران تعداد خانوارمناطق حاشیه نشین اردبیل در این پژوهش ۳۷۱ خانوار محاسبه گردید. پس از تفکیک مناطق حاشیه نشین در قسمت های شمال، جنوب، شرق و غرب شهر اردبیل و با توجه به نمونه آماری منتج شده از فرمول کوکران (۳۷۱ خانوار)، به روش نمونه گیری طبقه ای متناسب با حجم در هر یک از نواحی چهارگانه یک منطقه حاشیه نشین به صورت تصادفی ساده انتخاب و سپس به صورت تصادفی سیستماتیک (از هر چهار خانه یک خانه) مورد مطالعه قرار گرفت. و ابزار اندازه گیری در این تحقیق پرسشنامه محقق ساخته که به صورت بسته طراحی شده، است

اعتبار و پایایی ابزار اندازه گیری

اعتبار سؤال های مربوط به سازه ها از طریق روش تعیین اعتبار محتوایی و با راهنمایی ها و نظرات استادان راهنما و مشاور، گویه ها و پرسش ها انتخاب و ویرایش شدند.

برای تعیین پایایی پرسشنامه تحقیق حاضر، از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شد. به این صورت که ابتدا پرسشنامه در بین ۳۰ نفر از حاشیه نشینان شهر اردبیل به طور تصادفی توزیع گردید، سپس اطلاعات جمع‌آوری شده مورد آزمون و با محاسبه آلفای کرونباخ پایایی مورد تأیید قرار گرفت.

بحث و نتیجه گیری

در رابطه با فرضیه اول که بین فرهنگ فقر و آنومی اجتماعی در بین حاشیه نشینان اردبیل رابطه وجود دارد، طبق آزمون همبستگی پیرسون انجام گرفته، بین فرهنگ فقر و آنومی اجتماعی در حاشیه نشینان شهر اردبیل سطح معنی داری آزمون $p=0/000$ و زیر $0/05$ و مقدار $r=0/32$ می باشد و بین دو متغیر رابطه مستقیم و ضعیف معنی داری وجود دارد. و طبق نمودار رگرسیون خطی انجام گرفته، مقدار ضریب تبیین $R^2=0/10$ می باشد. یعنی از روی فرهنگ فقر حاشیه نشینان اردبیل به میزان ۱۰ درصد می توان آنومی اجتماعی آنها را پیش بینی نمود. نتایج این فرضیه همسو با نظر کوهن، اتکینسون، لوئیز، رفیع پور می باشد. کوهن (۱۹۵۵) معتقد است که خرده فرهنگ‌های (فرهنگ فقر) مجموعه جدیدی از هنجارها را فراهم می سازند که می تواند جوانان مناطق حاشیه نشین را برای رفتار بزهکارانه تحریک کند. اتکینسون (۲۰۰۰) معتقد است شش اقدام شهری مناسب برای مقابله با پیامدهای آنومیک شهری ناشی از حاشیه نشینی از سوی رژیم‌های شهری اتحادیه اروپا ادعا شده است که یکی از آن تقویت تفاهم فرهنگی شهری میان خرده فرهنگ‌های شهری و قومیت‌های شهری (فرهنگ فقر) می باشد. رفیع پور نیز مسدود بودن راه‌های مشروع کسب درآمد بیشتر در بین حاشیه نشینان را عاملی می داند که موجب ترغیب حاشیه نشینان به سوی رفتارهای آنومی می گردد. به اعتقاد لوئیز (۱۳۵۳) فرزندان خانواده‌هایی که برای مدت طولانی در فرهنگ فقر به سر می برند خیلی زود وظایف بزرگترها را بر عهده می گیرند، از حمایت‌های خانواده محروم می شوند و در سنین پایین از خانه و مدرسه فرار می کنند و به صورت غیرمستقیم به سمت اعمال منحرفانه و آنومی سوق می یابند.

در رابطه با فرضیه دوم که بین فقر فرهنگی و آنومی اجتماعی در بین حاشیه نشینان اردبیل رابطه وجود دارد.

طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون انجام شده بین فقر فرهنگی و آنومی اجتماعی حاشیه نشینان اردبیل سطح معنی داری آزمون $p=0/000$ و زیر $0/05$ و مقدار $r=0/20$ می باشد و بین دو متغیر رابطه مستقیم و ضعیف معنی داری وجود دارد. و طبق نمودار رگرسیون خطی انجام گرفته، مقدار ضریب تبیین

بررسی میزان آنومی اجتماعی در بین حاشیه نشینان شهر اردبیل و عوامل اجتماعی مرتبط با آن

$R^2=0/04$ می باشد. یعنی از روی فقر فرهنگی حاشیه نشینان شهر اردبیل به میزان ۴ درصد می توان آنومی اجتماعی آنها را پیش بینی نمود. نتایج این فرضیه همسو با نظر هیرشی، کروز و کمپبل می باشد. هیرشی بر این باور است که رفتارها و کنش های انحرافی نتیجه گسستگی یا تضعیف رابطه، پیوستگی و تقید افراد به جامعه است. اگینو معتقد است سه منشأ کلی فشار وجود دارد که باعث انحراف می شود: ۱- عدم موفقیت در دستیابی به اهداف با ارزش از نظر اجتماعی ۲- حذف وقایع با ارزش از نظر اجتماعی، مثلاً از دست دادن نزدیکان ۳- تجربه وقایع منفی از نظر ارزش های اجتماعی. کلمن فقر فرهنگی خانواده را نداشتن ارتباط متقابل مستمر سایر اعضا با خانواده و نیز منزلت اجتماعی و نیز فقر فرهنگی پایین که ناشی از عدم احساس امنیت در کنش متقابل اجتماعی باشد. کروز (۱۹۷۱) دریافت، جوانان خانواده های نابه سامان که مدت زمان اشتغال به رفتار بزهکارانه در میان جوانانی که بدون پدر و مادر زندگی می کردند طولانی تر بوده است. کمپبل (۱۹۸۷) نیز در پژوهشی نشان داد که فقدان مادر یکی از عوامل مؤثر در رفتار بزهکارانه در میان دختران است.

در رابطه با فرضیه سوم که بین کنترل اجتماعی و آنومی اجتماعی در بین حاشیه اردبیل رابطه وجود دارد. طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون انجام شده بین کنترل اجتماعی و آنومی اجتماعی حاشیه نشینان اردبیل سطح معنی داری آزمون $p=0/001$ و زیر $0/05$ و مقدار $r=0/17$ می باشد و بین دو متغیر رابطه مستقیم و بسیار ضعیف معنی داری وجود دارد. و طبق نمودار رگرسیون خطی انجام گرفته، مقدار ضریب تبیین $R^2=0/03$ می باشد. یعنی از روی کنترل اجتماعی حاشیه نشینان اردبیل به میزان ۳ درصد می توان آنومی اجتماعی آنها را پیش بینی نمود. نتایج این فرضیه همسو با نظریه دورکیم، گاتفریدسون و هیرشی می باشد. دورکیم نیز معتقد است که ضعف انسجام اجتماعی، ضعف پیوندهای اجتماعی، ضعف تعلق اجتماعی منجر به آنومی اجتماعی می شود. گاتفریدسون و هیرشی معتقدند که خود کنترلی پایین محصول ضعف در انجام وظایف والدین است، اگرچه ممکن است در طول زمان به جهت تأثیر نهادهای اجتماعی دیگر ضعف والدین تا حدودی جبران شود، ولی خود کنترلی پایین در فرد درونی شده و پایدار می ماند. هیرشی نیز در نظریه کنترل اجتماعی بحث می کند که فقدان تعهد اجتماعی عمده ترین عامل جرم و بزهکاری است او چهار منبع را برای تعهدات اجتماعی بیان می کند: ۱- تعلقات نسبت به خانواده و دوستان ۲- تعلقات نسبت به نهادهای آموزشی مانند مدرسه ۳- باور به انواع ارزشها و اصول ۴- تعهدات نسبت به اهداف در دسترس برحسب نظریه کنترل هیرشی هراندازه این چهار مورد کمتر شوند تعهد افراد به جامعه کمتر شده و ضعف تعهد منجر به رفتار انحرافی می شود.

در رابطه با فرضیه چهارم میزان آنومی اجتماعی در بین حاشیه نشینان اردبیل بر اساس جنسیت آنها متفاوت است.

مطابق آزمون تفاوت دومیانگین (t-test) مستقل انجام شده مقدار $t = 0/38$ با سطح معنی داری آزمون $p = 0/7$ و بالای $0/05$ می باشد، پس فرض H_0 قبول می شود و فرضیه تحقیق رد می شود. در واقع آنومی حاشیه نشینان زن و مرد تفاوت معنی داری ندارد.

در رابطه با سؤال تحقیق که: سهم هر یک از مؤلفه های فرهنگ فقر، فقر فرهنگی، و کنترل اجتماعی در آنومی اجتماعی حاشیه نشینان اردبیل تاچه اندازه است؟

به منظور تبیین میزان آنومی اجتماعی حاشیه نشینان اردبیل مورد مطالعه از روی مؤلفه های فرهنگ فقر، فقر فرهنگی، و کنترل اجتماعی آنها، از رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد که در مجموع متغیرهای مهم به ترتیب فرهنگ فقر و کنترل اجتماعی در شکل رگرسیونی باقی ماندند که ضریب همبستگی چندگانه آنها با آنومی اجتماعی برابر $R = 0/34$ و ضریب تعیین برابر $R^2 = 0/12$ و ضریب تبیین خالص برابر $\bar{R}^2 = 0/11$ به دست آمده است، یعنی مجموع این دو متغیر به میزان ۱۱ درصد میزان آنومی اجتماعی حاشیه نشینان مورد مطالعه را تبیین می کنند و ۸۹ درصد از واریانس آنومی اجتماعی آنها توسط متغیرهایی خارج از موضوع این پژوهش قابل تبیین می باشد. با حذف مقدار ثابت آلفا (α) از طریق استاندارد کردن مقادیر متغیرهای تبیین کننده، ملاحظه می شود که به ترتیب فرهنگ فقر با بتای $\beta = 0/30$ ، و کنترل اجتماعی با بتای $\beta = 0/12$ بیشترین نقش را در پیش بینی آنومی اجتماعی حاشیه نشینان مورد مطالعه دارند.

پیشنهاد های تحقیق

- ۱- با فراهم کردن زمینه فرصت های برابر آموزشی در مناطق حاشیه نشین می توان زمینه جامعه پذیری را فراهم کرد.
- ۲- با از بین بردن تبعیض های توسعه رفاه شهری بین مناطق مختلف شهری مخصوصاً محیط های آموزشی می توان از لحاظ فیزیکی زمینه رشد آنومی را کاهش داد.
- ۳- در مناطق حاشیه نشین شهر اردبیل نیاز به ارائه مشاوره های اجتماعی افراد احساس می شود تا افراد قدرت تفسیر تغییرات به وجود آمده را داشته باشند.

بررسی میزان آنومی اجتماعی در بین حاشیه نشینان شهر اردبیل و عوامل اجتماعی مرتبط با آن

۴- با فراهم کردن زمینه های برآورده شدن انتظارات افراد جهت جلوگیری از معضلات مانند پوچ گرایی ، احساس تنهایی و سایر مؤلفه های از خودبیگانگی تا حدی می توان زمینه های گسترش آنومی جلوگیری کرد . که نیاز مند آینده نگری در طراحی و برنامه ریزی اقتصادی استان در جهت استفاده از پتانسیل های استان و توزیع عادلانه ثروت و امکانات موجود می باشد.

۵- کمک به روستاییان از راه های مختلف مانند تقویت بخش کشاورزی به عنوان یک عامل بازدارنده مهاجرت به شهرها می باشد و می تواند اقدامی در جهت پیشگیری از روند مهاجرت و در نهایت حاشیه نشینی باشد .

منابع و مأخذ

- ۱- احمدی، ح. (۱۳۸۳). «بررسی عوامل مؤثر بر تمایل حاشیه نشینان بر رفتار بزهکارانه، مطالعه موردی حاشیه نشینان شهر شیراز»، مجری طرح: دانشگاه شیراز، مرکز جمعیت شناسی.
- ۲- احمدی، ح (۱۳۸۴). «جامعه شناسی انحرافات». سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ اول، تهران.
- ۳- امجدیان، ف. (۱۳۸۴). «بررسی پتانسیل آنومی و زمینه های بروز آن در شهر کرمانشاه». جامعه شناسی و علوم اجتماعی، مطالعات ملی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی پایگاه مجلات تخصصی، زمستان ۱۳۸۴؛ شماره ۲۴ .
- ۴- پروین، س (۱۳۸۶). «پیشگیری از جرم با تاکید بر پیشگیری اجتماعی از جرم»، فصلنامه مطالعات اجتماعی سال سوم شماره هشتم و نهم.
- ۵- دانش، ت. (۱۳۷۶). «مجرم کیست، جرم شناسی چیست»، انتشارات کیهان، تهران.
- ۶- ستوده، هد. (۱۳۸۰). «آسیب شناسی اجتماعی جامعه شناسی انحرافات»، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ هشتم.
- ۷- سلیمی، ع و داوری م. (۱۳۸۶). «جامعه شناسی کجروی»، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ویرایش دوم.
- ۸- شیخوندی، د. (۱۳۷۹). «جامعه شناسی انحرافات». انتشارات مردیز.
- ۹- شیری، ط (۱۳۸۳). «علل و عوامل اجتماعی مؤثر بر پدیده قانون گریزی و پیامدهای آن در جامعه ایران». پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، تهران.

- ۱۰- فولادیان، ا (۱۳۸۴). « بررسی ساختار اقتصادی - اجتماعی حاشیه مشهد و مقایسه آن با مرکز شهر در زمینه گرایش جوانان به انحرافات اجتماعی ». پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران.
- ۱۱- کرد زنگنه، م. (۱۳۸۱). « بررسی رابطه برخی پیشایندهای اجتماعی یا انومی یا بی هنجاری در بین دانش آموزان مقطع متوسطه در شهرستان رامهرمز ». شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان خوزستان
- ۱۲- کوثری، م و نجاتی حسینی، س. (۱۳۸۸). «پتانسیل انومی اجتماعی در مناطق حاشیه نشین شهر تهران». تهران. دانشگاه آزاد اسلامی، معاونت پژوهشی، دفتر گسترش تولید علم.
- ۱۳- لوئیز، ا. (۱۳۵۳). فرهنگ فقر. ترجمه: مهدی ثریا، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران، ۱۴۰-۱۲۴.
- ۱۴- محسنی، م. (۱۳۷۹). " بررسی آگاهی ها، نگرش ها و رفتارهای اجتماعی-فرهنگی در ایران ". شورای فرهنگ عمومی کشور.
- ۱۵- ممتاز، ف. (۱۳۷۹). «جامعه شناسی شهر». تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- ۱۶- ممتاز، ف. (۱۳۸۱). «انحرافات اجتماعی»، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۱۷- میری، ح. (۱۳۸۷). «مطالعه انحرافات و کجروی های اجتماعی» فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره شش جدید، سال چهارم / شماره پانزدهم - پاییز ۱۳۸۷.
- ۱۸- وبر، م. (۱۳۷۰). «شهر در گذر زمان». ترجمه: شیوا کاویانی، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- ۱۹- Atkinson.R.(2000). "combating social exclusion in Europe : the new urban policy change,urban studies"
- ۲۰- Burgess, Robert I. & RonLD, Akers. (1960). "A differential association-reinforce theory of crimind behavior", social problems, 14, 128-147 .
- ۲۱- Hagan, j. (1994). "Crime and Disrepute", U.S.A : Pine forge press .
- ۲۲- Reid, S. T. (2000). "Crime and Criminology", U. S. A: MC Graw-Hill Higer Education.
- ۲۲- Sucher, Charles. (1987). "Social Deviance", United State of America: Copyright by HoH, Rinehard. And Winston.